

بررسی برنامه های توسعه پنجم از نگاه اقتصاد اسلامی

وحید بیگدلی^۱

ایمان تهرانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۸

چکیده

برنامه پنجم توسعه که به عنوان قانون برنامه توسعه بعد از انقلاب اسلامی و در دوره چشم انداز بیست ساله نظام به تصویب مجلس رسیده است و از طرف دیگر با توجه به الگوهای توسعه اسلامی-ایرانی در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و با رویکرد پیشرفت عدالت محور طراحی شده است، آیا در تدوین اسلامی بوده است و با اهداف دولت اسلامی همخوانی داشته است؟ یافته ها نشان می دهد که در برنامه پنجم توسعه ۶۱ هدف تعیین و برای دستیابی به آنها حجم وسیعی از سیاست ها و اقدامات آورده شده است «دولت» بیشترین مخاطب از حیث اجرای مفاد برنامه و «معاونت» از منظر حاکمیتی و نظارتی بوده است. در مقابل دولت اسلامی هدف نهایی خود را پیگیری و تحقق حق تکامل افراد قرار داده است که در حوزه اقتصاد از طریق زیر اهداف مبتنی بر عدالت و امنیت و رفاه قابلیت تحقق دارد.

یافته ها حاکی از آن است که اهداف برنامه در حوزه اقتصادی تا حدودی همخوانی با اهداف دولت اسلامی دارد هرچند که در این بین توجه به الزامی اساسی ضروری است و آن نگاه کارشناسی حاکم بر اهداف برنامه می باشد تا برنامه خوب را اجرایی نماید. وجود اشکالاتی چون تعدد اهداف و فقدان همگرایی بین اهداف، فقدان بازه زمانی، کلی گویی و تفسیربردار بودن اهداف، فقدان و عدم ارائه اسناد پشتیبان و تحلیل کارشناسی درباره چگونگی و نحوه تعیین اهداف، فقدان نظام تشویق و تنبیه شفاف و صریح از جمله نکاتی است که در بررسی این اهداف محرز می شود و اجرای برنامه را با تردید مواجه می نماید.

واژگان کلیدی: دولت اسلامی، اهداف دولت اسلامی، برنامه پنجم توسعه، اهداف برنامه پنجم، اسلامی بودن برنامه پنجم.

طبقه بندی P40,O20,B59:JEL

vahidbigdely@gmail.com

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ

۲- دانشجوی دکتری حرفه ای مدیریت عالی کسب و کار

مقدمه

دولت از مهم‌ترین نهادهای بشری است که ضرورت و حضور فعال آن در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان روشن است. وقوع انقلاب اسلامی و مطرح شدن مجدد آرمان های اسلام ناب نیز بر ضرورت توجه به دولت و کارکردهای آن به لحاظ اسلامی افزود. ضرورت ها و تجربیات دوران معاصر نیز این مهم را تأیید می نماید. در دوران معاصر شاهد تحولی اساسی در وظایف دولت ها و آن هم پذیرش مسئولیت تحول و توسعه جامعه و توجه به مقوله توزیع و رفاه می باشیم. این مهم به قدری اهمیت یافته است که گاه سنجه مشروعیت دولت‌ها گشته است. سنجه ای که زمانی ناظر به توان و پذیرش مسئولیت حفظ امنیت داخلی و خارجی بود. (اوانز، ۱۳۸۰، ۳۷) مبتنی بر این رویکرد، کارآیی و عملکرد دولت ها، نقشی اساسی در مشروعیت دولت ها یافته و اساسا تعاملی دوگانه بین مشروعیت و کارآیی دولت ها شکل گرفته است. در این چارچوب است که صحبت از حوزه دخالت دولت، در مقایسه با نوع دخالت دولت اهمیت خود را از دست داده است و این مسائل خود بر اهمیت موضوع افزوده است. به عبارتی در دوران کنونی دخالت و یا عدم دخالت دولت به اندازه نحوه و کیفیت دخالت دولت حائز اهمیت نمی باشد. ویکی از کارکردهای کیفی بودن دخالت دولت، اهدافی می باشد که دولت برای تحقق آنها برنامه ریزی می نماید.

با نگاهی دیگر و در مقدمه قانون اساسی شاهد آنیم که مقننین هدف حکومت و دولت اسلامی را تبیینی متمایز از دولت های موجود نموده و وظایف آن را متفاوت دانسته اند. در مقدمه چنین آمده است که: "حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا و جهان شمول اسلامی پرورش یابد. هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خود گونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله)" (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه)

تأملی در نظام سیاست گذاری در ایران گویای این مهم است که برنامه های توسعه پنج ساله نقشی اساسی در اجرای اهداف نظام اسلامی در بستری میان مدت و عملیاتی داشته اند و در این بین برنامه پنجم توسعه به این دلیل که مبتنی بر الگوهای توسعه اسلامی ایرانی در همه ابعاد اقتصادی،

فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و با رویکرد پیشرفت عدالت محور طراحی شده (برمکی، ۱۳۹۳، ۴۰) و در دوره سند چشم انداز اجرایی شده و در بین کارشناسان، نزدیک ترین برنامه به مبانی اسلامی شناخته می‌شود، می‌تواند نقش و تحلیلی متمایز در سنجش میزان اسلامی بودن برنامه‌ها ایفا نماید. اما آیا برنامه پنجم توسعه به عنوان ابزاری در دست دولت با دولت اسلامی متصور در مبانی اسلامی همخوان بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش ضروری است تا مبنای مقایسه، و تبیین آن در برنامه پنجم و دولت اسلامی را مورد سنجش قرار دهیم.

در رابطه با مبنای مقایسه باید بیان داشت که اهداف نقشی اساسی در تعیین ساختار و شاکله هر نظامی دارند و اصولاً می‌تواند گویای میزان توجه به کیفیت دخالت دولت باشد. به عبارتی با تعیین اهدافی که دولت می‌بایستی نسبت به تحقق آنها مبادرت نماید، خواه ناخواه وظایف دولت و پس از آن اختیاراتی که در تحقق اهداف فوق و ایفای وظایف منبث از آن بر عهده دارد مشخص خواهد شد. لذا اهداف می‌باشند که به تعیین وظایف، اختیارات دولت مبادرت می‌نمایند و تا اهداف مشخص نشود، صحبت از تکالیف دولت و برنامه، امری مقبول نمی‌باشد. (بیگدلی، ۱۳۹۳، ۴) جهانیان در تبیین این مهم از قول شهید صدر بیان می‌دارد "محتوای باطنی انسان و جامعه را، اهداف و ایده‌آل‌ها تشکیل می‌دهد. ایده‌آل و هدف است که حرکت تاریخ را با اراده و اندیشه انسان آمیخته و آن را هدایت و تنظیم می‌کند. این ایده‌آل بزرگ و هدف نهایی است که هدف‌های کوچک را شکل می‌دهد و مسائل جزئی و تاکتیکی از آن نشئت می‌گیرد." (جهانیان، ۱۳۸۰، ۱۳۵-۱۳۶) با این تبیین این هدف‌ها هستند که عظمت و بزرگی یک مکتب و اصالت و ماهیت آن را می‌رساند (یوسفی، ۱۳۸۹، ۳۷) و نقشی اساسی در تعیین اولویت‌های دولت‌ها دارند. چرا که اهداف متمایز ساختار و شکل متفاوتی را به دولت‌ها می‌دهد و در اجرای سیاست‌ها و سازماندهی نحوه عملکرد آنها موثر خواهد بود. (علیزاده ۱ و دیگران، ۲۰۰۰، ۱۵) مبتنی بر این تحلیل به سراغ بررسی اهداف متصور برای دولت اسلامی و مقایسه آن با اهداف برنامه پنجم می‌رویم. در عین حال که ملاک مهم در اسلامی بودن برنامه‌ها، توجه به الزامات کارشناسی آن نیز می‌باشد.

ادبیات نظری

در تحقیقات نظری به تبیین اهداف برنامه‌ها و اهداف دولت اسلامی مبادرت شده است اما تا کنون تلاشی در جهت پیوند میان این دو و مقایسه اسلامی بودن برنامه‌ها رخ نداده است در عین حال که تا کنون تحقیقی نیز در جهت استفاده از نتایج تحقیقات فوق رخ نداده است. به عنوان مثال برمکی در آسیب شناسی برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران به بیان اهداف برنامه‌ها هرچند خلاصه

مبادرت نموده است (برمکی، ۱۳۹۳). در حوزه اهداف دولت اسلامی تحقیقاتی چند انجام شده است که می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

منتظری در بیان هدف دولت اسلامی برقراری احکام شریعت را هدف غایی دولت اسلامی دانسته است و بیان می دارد "هدف از حکومت اسلامی حاکمیت و تسلط حاکم جامعه بر مسلمانان و کشور و شهرهایشان به هر شکل که باشد نیست، و نیز حاکم مسلمانان نمی تواند هرگونه که خواست و مطابق میلش بود نظیر پادشاهان و حاکمان بسیاری از کشورها که مردم را بردگان خود می پندارند بر مردم حکومت کند. بلکه هدف از حکومت اسلامی اجرای حدود و احکام اسلام و اداره شؤون مسلمانان بر اساس ضوابط و قوانین عادلانه اسلام است؛ چرا که اسلام دین جامع و گسترده ای است که تمام احتیاجات فردی و خانوادگی و اجتماعی بشر را در مراحل مختلف زندگی در برداشته و خیر و سعادت وی را در دنیا و آخرت پیش بینی کرده است." (منتظری، ۱۳۷۹، ج ۳، ۲۹)

در تحقیقاتی دیگر که توسط دفتر همکاری های حوزه و دانشگاه انجام شده است مهم ترین اهداف مکتب اقتصادی اسلام را در (۱) حاکمیت سیاسی اسلام، (۲) تحکیم ارزش های معنوی و اخلاقی، (۳) برپایی عدالت اجتماعی، (۴) عدم وابستگی اقتصادی، (۵) خودکفایی و اقتدار اقتصادی، (۶) توسعه و رشد، (۷) رفاه عمومی بر شمرده است. و سه هدف آخر را منوط به عدم آسیب به چهار هدف اول دانسته اند. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ۱۹۳) میرمعزی سه هدف (۱) امنیت اقتصادی، (۲) عدالت اقتصادی و (۳) رشد اقتصادی را به عنوان اهداف نظام اقتصادی اسلام و دولت اسلامی (میرمعزی، ۱۳۸۱، ۹۹) بر شمرده است و رشد اقتصادی را هدفی مستقل و در عرض اهداف دیگر ندانسته است بلکه در طول آنها و مقدمه دستیابی به آنها می باشد. (میرمعزی، ۱۳۸۱، ۲۴-۲۵)

دولت اسلامی

پیش از پرداختن به این سوال و در پاسخ به این سوال که منظور از دولت و دولت اسلامی چیست؟ می توان بیان داشت که دولت بیانگر جامعه ای است که در آن قدرت سیاسی واحدی تحقق یافته و نهادهایی از جمله «حکومت» برای تحقق، حفظ و استفاده مطلوب از آن قدرت در جهت رساندن جامعه به خیر و سعادت مورد نظر، به وجود آمده است. دولت و نظام کلی سیاسی-اجتماعی در این مفهوم حالتی، ایستا و پایدار دارد، هر چند نهادها و ساختارش دستخوش تغییر و تبدیل گردند. که دولت در این مفهوم عام دارای چهار عنصر اساسی: قلمرو، جمعیت، حاکمیت و حکومت است (جهانیان، ۱۳۸۰، ۱۳۰) و منظور از دولت اسلامی نیز دولتی می باشد که برخاسته از مبانی دین اسلام و مبتنی بر آموزه های شیعی باشد که به دنبال تحقق اهداف ذیل در عرصه اقتصادی می باشد.



اهداف اندیشمند	تربیت نفوس، تقرب و تکامل	امنیت اقتصادی	عدالت اقتصادی و اجتماعی	استقلال اقتصادی	اقتدار اقتصادی	رشد اقتصادی	تکافل اجتماعی	رفاه عمومی	موارد دیگر
فارابی (فارابی، ۱۳۶۶ و آل بویه، ۱۳۸۸)	*								
سیره امام علی (ع) (گیلک حکیم آبادی، ۱۳۸۰)	*	*	*			*		*	*
شهید مطهری (فراهانی فرد، ۱۳۸۲)	*	*	*	*	*	*			
سمیعی نسب (سمیعی نسب، ۱۳۸۸)	*	*	*						و...
شهید صدر (جهانیان، ۱۳۸۰)			*			*	*		و...
رضایی (رضایی، ۱۳۸۳)	*	*	*						و...
حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱)			*	*	*	*		*	و...
میرمعزی (میرمعزی، ۱۳۸۱)		*	*			*			
هادوی تهرانی (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸)			*	*	*	*			
تعداد افراد اشاره کرده به این هدف	۵	۵	۸	۳	۳	۶	۱	۲	

منبع: یافته های تحقیق

همانگونه که از جدول فوق بر می آید بیشترین اهدافی که برای دولت اسلامی بر شمرده اند به ترتیب عدالت، رشد، تکامل و امنیت بوده است. می توان از مجموع تحقیقات انجام شده در این حوزه اهداف حکومت اسلامی را این گونه تبیین نمود که حکومت اسلامی به دنبال تکامل و تعالی افراد از طریق سه زیر هدف عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و رفاه و رشد اقتصادی می باشد. در حقیقت رشد اقتصادی را به معنای افزایش تولید که تا حدودی می تواند قرین با رفاه باشد گرفته شده است، خاصه آنکه در منطق اسلامی می توان کار و کارکردن را جزو مولفه های رفاه مفصل بندی نمود^۱.

تکامل

قرآن کریم در موارد مختلف به این نکته اشاره نموده است که تمامی مساعی انسان باید در جهت کسب و افزایش ایمان باشد تا بدین ترتیب شایستگی لازم را برای رسیدن به حضور خداوند متعال به دست آورد^۲. و این کمال جز در سایه پرستش خداوند حاصل نمی شود. (یس: ۶۱) در برخی از آیات هدف از آفرینش، پرستش خدا شمرده شده است. (ذاریات: ۵۶) و هدف نهایی، چیزی جز رسیدن به نزد خدا و برخورداری از لذت وصل او نیست^۳. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است..» (مقدمه قانون اساسی) و تفاوت ها از همین جا روشن می شود. هدف نظام اقتصادی در مکاتب اقتصادی ساخته بشر را بر گسترش رفاه مادی و اصالت بخشی به نفع جویی مادی شخصی

۱- در اقتصاد متعارف و در مباحث کلان این تفاوت را در مدل های بین زمانی می توان دید که در برهه ای رشد و تولید رخ می دهد و در برهه دیگر مصرف اتفاق می افتد و از آنجا که رفاه قرین با مصرف می باشد لذا رشد با رفاه تمایز پیدا می نماید.

۲- بقره: ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۲ و ۲۲۳ / آل عمران: ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲ / یوسف: ۵۷ / مریم: ۷۳ و ۸۸ / مؤمنون: ۵۵ و ۶۲ / شعراء: ۱۱۱ و ۱۲۰ / قصص: ۸۰ / احزاب: ۴۷ / محمد: ۳۹ / تحریم: ۵.

۳- هود: ۱۱۸ و ۱۱۹

باید دانست. اگر دولت در اقتصاد حضور می‌یابد به جهت تحقق رفاه مادی و رفع کمبودهای نظام بازار و جبران شکست آن و برای تحقق رفاه عمومی است.

مکاتب اقتصادی غالباً با اصیل دانستن ماده، هدف و انگیزه خود را مبتنی بر مبانی فلسفی خود در حفظ و حراست از وجود مادی دانسته‌اند. و وجود مادی را در رشد اقتصادی و پی‌گیری نفع شخصی تحویل نموده‌اند و دولت را برای رشد اقتصادی ضروری دانسته‌اند. و به بیان آدام اسمیت دولت، افراد و نهاد بنگاه را ضمانت می‌نماید تا توانایی فعالیت های اقتصادی و رشد اقتصاد را داشته باشند (لانگه ۱ و دیگران، ۲۰۰۵، ۳)

اما اقتصاد اسلامی در پی تکامل افراد و توسعه معنوی انسان‌ها می‌باشد. بنابراین باید تمام برنامه‌ریزی‌ها، سازماندهی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌ها در اقتصاد اسلامی در جهت تحقق تکامل و سعادت معنوی قرار گیرد و دولت نیز در همین مجموعه معنا می‌یابد. اقتصاد هدف نیست؛ بلکه وسیله تحقق اهداف بالاتری است. اقتصاد اسلامی، اقتصاد معنوی شمرده می‌شود و ابزارها و اهداف آن غیراخلاقی نیست و نمی‌تواند مانع تحقق رشد معنوی شود (رضایی، ۱۳۸۳، ۵۰ و ۵۱) امام خمینی نیز در همین راستا بیان می‌دارند "اسلام برای تأمین علف نیامده است! اسلام برای تأمین معنویات آمده است. همه‌اش فریاد از مادیات نباشد؛ برخلاف مسلک اسلام است. معنویات اگر تحقق پیدا کرد، مادیات معنوی می‌شود و به دنبالش هست. اسلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد؛ مادیات را مستقلاً قبول ندارد." (موسوی خمینی ۲، ۱۳۵۸ الف) لذا هدف غایی و نهایی دولت اسلامی را در تکامل افراد و ابناء ننتنها تحت حکومت بلکه بشر باید دانست.

عدالت

برای رسیدن به این هدف و در چارچوب دولت اسلامی می‌توان به سه زیر هدف همانگونه که گذشت اشاره کرد. یکی از این اهداف عدالت است که هدف بعثت پیامبران بوده است. این مبحث در نظام اقتصادی بقدری دارای اهمیت بوده که عدالت آرمان مشترک متفکرینی بوده که در زمینه اقتصاد اسلامی تأمل کرده‌اند (سبحانی، ۱۳۷۳، ۳۹ و یافته‌های تحقیق) این مهم به آن دلیل است که دولت اسلامی؛ دولتی با ماهیت دینی و بر خاسته از دین است لذا اهداف آن در امور مادی منحصر نبوده و به تناسب حقیقت و بعد الهی و معنوی انسان، تمام ابعاد زندگی را مد نظر قرار داده و در پی تحقق کمال انسان در تمام ابعاد فردی و اجتماعی است. لذا اولین هدف حکومت در اسلام

1- Lange

۲- موسوی خمینی، روح الله، سخنرانی در جمع بانوان (جنوب شهر تهران و مکتب ولی عصر) — پاسداران و مرز نشینان دشت مغان به تاریخ ۱۳۵۸/۳/۸

این است که انسان و جامعه انسانی به تمام کمالات لازم خودش دست یابد. (یوسفی، ۱۳۸۹، ۴۰ و ۴۱) این هدف به قدری مهم بوده است که نتیجه فلسفه حکومت دینی، فراهم ساختن زمینه مناسب تحقق عدالت بوده است. به عبارتی اصلی‌ترین هدف حضور و فعالیت دولت اسلامی، زمینه‌سازی تحقق رشد معنوی و گسترش عدالت است (سمیعی نسب، ۱۳۸۸، ۱۸۰) تا در بستر عدالت رشد و تکامل آدمی حاصل آید.

این رفتار و شدت توجه به اجرای عدالت را در رفتار حضرت علی (ع) می‌بینیم. شدت توجه حضرت علی (ع) به عدالت به نحوی بود که اساس و هدف متعالی حکومت امیرالمؤمنین (ع) را برقراری قسط و عدالت در جامعه تشکیل می‌داد. آن حضرت عدالت را به عنوان هدف بزرگ و الهی و انسانی و اسلامی خود می‌دانست و در راه تحقق آن از هر نوع کوششی دریغ نمی‌داشت. تاریخ بشریت سراغ ندارد رهبری این همه نسبت به تحقق و اجرای عدالت پافشاری و سخت‌گیری نموده باشد. حضرت برای برقراری آن رنج‌های فراوان برد و جنگ‌های قدرت‌طلبانه و خودسرانه‌ای بر وی تحمیل شد و سرانجام نیز در همین مسیر به شهادت رسید. (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹ الف، ۲۷۰)

امام علی (ع) که می‌دانست بسیاری روش او را بر نخواهند تابید ضمن سخنانی که به نقل ابن‌ابی‌الحدید روز دوم بیعت با ایشان ایراد شد فرمود: «انتم عباد الله و المال مال الله یقسم بینکم بالسویه لافضل فیه لاحد علی احد و للمتقین عند الله غداً احسن الجزاء و افضل الثواب لم یجعل الله الدنيا للمتقین اجراً و لا ثواباً فان عندنا مالاً نقسمه فیکم و لا یتخلفن احد منکم عربی و لا عجمی...» شما بندگان خدا هستید و مال، مال خداست. به طور مساوی بین شما تقسیم می‌شود. هیچ برتری برای کسی بر دیگری نیست. و برای پرهیزگاران فردا روز قیامت بهترین پاداش و برترین ثواب فراهم است. خداوند دنیا را برای پرهیزگاران پاداش و ثواب قرار نداده است نزد ما اموالی است که بین شما تقسیم می‌کنیم و عرب و عجم از آن سهم می‌برند....» ابن‌ابی‌الحدید به نقل از استادش می‌گوید: این اولین سخنی بود که مخالفان را ناخوش آمد و کینه در دل آنها کاشت. آنگاه این افراد را کسانی معرفی می‌کند که به نشانه اعتراض به روش حضرت در تقسیم اموال آن را نپذیرفتند: طلحه، زبیر، عبدالله بن عمر، سعید بن عاص، مروان بن حکم و مردانی از قریش و غیر آن. سپس جلسه گفتگوی اعتراض‌آمیز آنها را با حضرت در فردای آن روز نقل می‌کند. در نقلی دیگر، اعتراض طلحه و زبیر به شیوه تقسیم اموال آمده است. آنان می‌گفتند تساوی در تقسیم اموال مخالف با روش خلیفه دوم است. حضرت در پاسخ می‌فرمود: این روش پیامبر اکرم (ص) و برآمده از قرآن است. این خطبه نشان می‌دهد که حضرت با آگاهی کامل از نفوذ و رسوخ فرهنگ تبعیض در تقسیم اموال عمومی و پی‌آمدهایی که مبارزه با آن می‌تواند برای حکومت داشته باشد، با آن مخالفت کردند. (صرامی، ۱۳۸۱، ۱۸۸-۱۸۹)

امام خمینی نیز در بیان ضرورت و جایگاه عدالت در حکومت آن را اساس ممیزه حکومت از سایر حکومت‌ها می‌شمارد و بیان می‌دارد "هیچ رژیم‌ی مثل حکومت اسلامی نمی‌تواند انسان را و ملت‌های انسانی را آنطور که باید اداره کند و تربیت تمام رژیم‌های غیر الهی که به دست غیر انبیا تحقق پیدا کرده‌اند، حدود دیدشان همین طبیعت است. احتیاجات طبیعی را می‌توانند آنها برآورند؛ می‌توانند احتیاجات طبیعی را هم خیلی خوب برآورده کنند. سابق، مسافرت‌ها با الاغ و اسب بود، حالا با طیاره است؛ سابق طبابت ناقص بود، حالا کامل است و از این هم کاملتر خواهد شد... اسلام مثل حکومت‌های دیگر نیست، اینطور نیست که اسلام فرقی با حکومت‌های دیگر این است که این عادل است و آنها غیر عادل، خیر، فرق‌ها هست، یکی‌اش همین است. فرق‌های زیاد بین حکومت اسلام و بین اسلام هست و مابین رژیم‌های دیگر. یکی از فرق‌هایش هم، این است که حکومت اسلام یک حکومت عادل است (موسوی خمینی ۱، ۱۳۵۸ ب) جمهوری اسلامی معنایش این است که عدالت باشد، عدالت این است که این آدمی که الآن احتیاج به من دارد، از خارج آمده الآن، از راه دور آمده، به این اداره احتیاج دارد، زود رسیدگی بشود به احتیاج این. این طور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست، جلو کارش را انجام بدهیم، یک کسی که خیر، غریبه هست، عقب‌تر انجام بدهیم و هكذا، چیزهایی که شما می‌دانید می‌شد، این چیزهایی که می‌شد دیگر نگذارید بشود. (موسوی خمینی ۲؛ ۱۳۵۸ ج)

امنیت

در بستر امنیت است که تکامل انسانی دست یافتنی می‌شود، خداوند در قرآن کریم و در سوره نور می‌فرماید "وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ" خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند" (نور؛ ۵۵)

۱- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۵۸) سخنرانی در جمع پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آبان، ۱۳/۴/۱۳۵۸

۲- موسوی خمینی، روح الله سخنرانی در جمع دانشجویان و اهالی شیراز، کارکنان مجمع اسلامی وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۳۵۸/۴/۱۷

فیلسوفانی که بر توسعه سیاسی یا اقتصادی تکیه کرده‌اند، امنیت را عامل و نیز حاصل آن تلقی کرده‌اند و همه کسانی که برای حاکمیت ارزش‌های معنوی تلاش دارند، آن را مقدمه این واجب می‌دانند.... حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹، ب، ۲۸۰ و ۲۸۱)

قرآن کریم در سوره قریش بیان می‌دارد که (لَا يَلْفُ الْقُرَيْشُ إِلَّا فُتُورَهُمْ رَحِلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ). از این بیان نورانی قرآن به خوبی استفاده می‌شود مفهوم امنیت برآیند و محصول عوامل گوناگون و اوضاع مختلف اجتماعی و نتیجه رابطه متقابل این عوامل است، و این نظیر مفهوم توسعه است. نتیجه توسعه همه‌جانبه و متوازن و پایدار به طور طبیعی امنیت خواهد بود، که در تحقق آن عوامل گوناگون نقش دارد و هدف نهایی از آن ایجاد زمینه برای قرب به خدا و بندگی حضرت حق است. باید از این نعمت الهی و تأمین معاش و آباد کردن بلاد و برقراری امنیت برای عباد، راه را برای عبودیت هموار کرد، و بر عزت بندگی و ربوبیت خداوند تأکید نمود. در حقیقت این اهداف طولی و هر یک مقدمه دیگری است و هدف عالی قرب الی الله و عشق به حق است (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹، ب، ۲۸۴) امنیت مفهومی است که نه تنها معنای حفاظت و حراست از سرزمین‌ها و مرزها را در خود دارد، بلکه مفاهیمی چون امنیت شغلی و مفاهیم مخالف ریسک و نا اطمینانی را که منجر به عدم امنیت می‌شود را نیز در بر می‌گیرد. از امنیت غذایی تا امنیت اجتماعی که تعبیر به تأمین اجتماعی را شامل می‌شود. لذا با این گستره تعبیر از امنیت، نقش امنیت را و وظیفه دولت اسلامی را تأمین آن می‌توان پررنگ یافت. لذا شاهد آنیم که در قرآن برای تکامل و تقرب به خداوند تأمین امنیت غذا و جان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۶۳۱) آمده است.

رفاه

اسلام مقتضی رفاه برای مردم جامعه است و در کنار اهداف و برنامه‌های دیگر این وظیفه بر دوش حکومت اسلامی سنگینی می‌کند که به بهبود معیشت مردم توجهی ویژه مبذول دارد و آن را به عنوان هدفی میان مدت و ابزاری در جهت نیل به اهداف متعالی و نه یک هدف نهایی، در چهارچوب برنامه‌ها و وظایف خود قرار دهد... آنچه در سیره امیرالمؤمنین (ع) منعکس است و در حکومت محدود چند ساله ایشان قابل مشاهده است آن است که اسلام مقتضی رفاه توده‌های محروم جامعه است و اصولاً نظام اسلامی تشکیل می‌شود برای انجام این مهم، در کنار اهداف و

برنامه‌های دیگر (جعفر پیشه فرد ۱۳۸۱، ۱۶۵) خداوند کریم در قرآن عظیم می‌فرماید "و الْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ" (سوره نحل؛ آیه ۵۸) بر اساس این آیات، چهارپایان منافع فراوانی برای انسان‌ها هم‌چون استفاده در مصارف خوراکی، پوششی و حمل و نقل دارند؛ هم‌چنین زینت و شکوهی برای ایشان بوده و در کارهای مشقت بار، آنان را یاری می‌دهند. در آیه ۳۲ اعراف نیز به صراحت حلیت بهره‌مندی از زینت‌های خداوند و روزی‌های پاکیزه او بیان می‌شود: "قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ" (سوره اعراف؛ آیه ۳۲) لازم به ذکر است که تحریم زینت از عهده پیامبر خدا و یا صاحبان قدرت که دولتمردان می‌باشند به وجود می‌آید. لذا دولتمردان و دولت اسلامی ملزم به تأمین شرایط بهره‌مندی از زینت و نعمات و به طور کلی‌تر؛ رفاه برای جامعه می‌باشند. لذا می‌باید پیگیری اهداف فوق در برنامه‌های دولت اسلامی که تبلور زمانی و مکانی آن در برنامه پنج ساله دولت‌ها می‌تواند باشد نمود داشته باشد.

برنامه پنجم توسعه

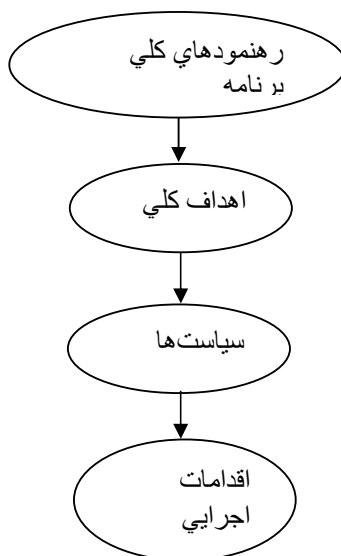
قانون برنامه پنجم توسعه که دومین برنامه در تحقق اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد با هدف دستیابی به جایگاه اول منطقه همراه با هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل به عنوان آرمان اصلی برنامه نگاشته شد و تحقق دولت اسلامی از طریق تغییر ساختار وظایف پیگیری شد (مقدمه لایحه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۰) در عین حال که این برنامه برای اولین بار در سازمانی غیر از سازمان برنامه نگاشته می‌شد!

دولت مردان دولت دهم پیرامون برنامه پنجم توسعه بیان می‌داشتند که "برنامه‌های گذشته توسعه کشور، الگوبرداری از برنامه‌های اقتصادی مرسوم در جهان بوده است... در این برنامه تلاش شده است که الگوی جدید بومی ایرانی اسلامی تدوین شود و توسعه و پیشرفت توأم با عدالت اجتماعی به عنوان هدف اصلی قرارگیرد. واقع بینی، عملیاتی بودن و دوری از بلند پروازی از شاخص‌های مهم این برنامه است." (پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۱۳۸۸/۱۰/۲۱) سخنگوی دولت نیز با دیدگاهی مشابه در تشریح ویژگی‌های برنامه پنجم توسعه بیان می‌دارد که "برنامه پنجم پیشرفت و عدالت برنامه‌ای است با مبانی نظری منبعت از تفکرات اصیل اسلامی و بری از نظریه‌های وارداتی غربی و در جستجوی نظام برنامه‌ریزی با محوریت فرهنگ به معنای عام کلمه؛

برنامه‌ای که ترویج یک شیوه زندگی اسلامی را با تقویت قانون گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، درستکاری و قناعت در بر می‌گیرد." (پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۱۳۸۸/۴/۱۳). لذا ادعا در مورد قانون برنامه پنجم مبتنی بر خاص بودن و مبتنی بر ایده دولت اسلامی بود به نحوی که در مستندات آن به کرات در رابطه با دولت اسلامی سخن به میان آمده است. اما آیا برنامه پنجم را می‌توان از نظر اهداف و اصول کارشناسی اسلامی دانست؟ جهت‌گیری‌های اصلی برنامه پنجم که به نوعی اهداف متصور برای آن در بدو تدوین برنامه بود، بدین شرح بود:

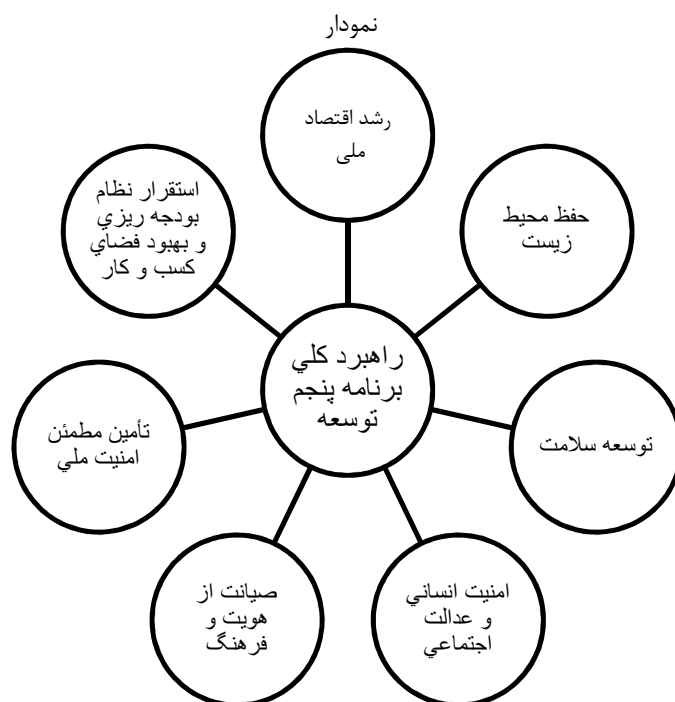
تعمیق باورها و ارزش‌ها، ترویج شیوه زندگی اسلامی و فرهنگ ولایت و انتظارگسترش عدالت همه جانبه و پاسداشت کرامت انسانیت قویت هویت اسلامی ایرانی ایجاد جامعه خودباور با محوریت نهاد خانواده توسعه دانش و فن‌آوری با تأکید بر فن‌آوری اطلاعات رشد اقتصادی پایدار و عدالت محور ارتقای بهره‌وری اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ تأمین اجتماعی فراگیر و ارتقای سلامت آحاد جامعه تحکیم امنیت ملی و توسعه روابط خارجی بر مبنای سه اصل عزت، حکمت و مصلحت آمایش سرزمین و توسعه توازن منطقه‌ای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت ارتقاء تعاون و رقابت پذیری در اقتصاد (معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۷، ۱۴) اما در عمل چه اتفاقی افتاد؟ ساختار کلی برنامه پنجم توسعه را می‌توان از قرار ذیل دانست:

نمودار ۱. ساختار کلی برنامه پنجم توسعه



رهنمودهای کلی (هدف کلان)

این رهنمودها مجموعه‌ای از راهبردها در برنامه پنجم توسعه است که رسالت پنج‌ساله برنامه پنجم را نشان می‌دهد. این راهبردها در راستای اهداف سند چشم‌انداز تعیین شده و به این سؤال پاسخ می‌دهد که برنامه پنجم چه می‌خواهد؟ نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هفت راهبرد کلی در برنامه پنجم توسعه تعیین شده است:



منبع: قانون برنامه پنجم توسعه

اهداف کلی

در سطحی پایین‌تر از راهبردهای برنامه، مجموعه‌ای از اهداف کلی قابل شناسایی است که این اهداف نشان می‌دهد که برنامه پنجم چگونه اولویت‌گذاری می‌کند؟ در این مقاله متناسب با فصول برنامه پنجم، اهداف کلی برنامه احصا شده است. به عنوان مثال در فصل فرهنگ ایرانی اسلامی ۶ هدف کلی، در فصل علم و فناوری ۲ هدف احصا شده است که در جدول زیر می‌توان یافت.

جدول

ردیف	فصل مربوطه	تعداد اهداف
۱	فرهنگ ایرانی - اسلامی	۶
۲	علم و فن آوری	۲
۳	اجتماعی	۶
۴	نظام اداری و مدیریت	۵
۵	اقتصادی	۲۸
۶	توسعه منطقه ای	۳
۷	دفاعی، سیاسی و امنیتی	۲
۸	حقوقی و قضایی	۱
۹	بودجه و نظارت	۸

منبع: قانون برنامه پنجم توسعه

نتایج نشان می‌دهد که بیشترین اهداف کلی در فصل اقتصادی گنجانده شده است و همین امر رویکرد کلی برنامه پنجم توسعه را نشان می‌دهد و بعد از آن فصل بودجه و نظارت است و سپس فصل فرهنگ ایرانی اسلامی و اجتماعی بیشترین اهداف را شامل می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد در برنامه پنجم توسعه ۶۱ هدف و حجم وسیعی از سیاست‌ها و اقدامات در راستای این اهداف آورده شده است. به‌طوری که هر هدف با عباراتی نظیر «به‌منظور، در راستای، در جهت و...» تعریف و تعیین شده است. در راستای هر هدف، سیاست‌ها و اقداماتی در آن ماده یا سایر مواد آورده شده است و به تناسب هر اقدام یا سیاست نیز، یک یا چند مجری (مخاطب) با تکالیفی نظیر مجاز است، موظف است، مکلف است، به‌عمل آورد و... معین شده است.^۱

۱- که در این بین «دولت بیشترین مخاطب بوده (در مجموع ۱۵۲ مرتبه مورد خطاب قرار گرفته است) و عبارات دولت موظف است»، دولت مکلف است، به ترتیب ۲۷ و ۳۰ بار آورده شده است. در ۶۴ مورد معاونت مخاطب بوده است که در غالب موارد نقش حاکمیتی و نظارتی داشته و در برخی موارد بار تکلیفی داراست. دستگاه‌های اجرایی، بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار، مرکز آمار و سایر نهادها نیز براساس مفاد احکام مربوطه در یک یا چند مورد مخاطب بوده‌اند.

جدول ذیل نشان می‌دهد که در ۲۳۴ ماده قانون برنامه پنجم توسعه، ۶۱ هدف کلی با عباراتی نظیر «به‌منظور»، «در راستای»، «در جهت» و... تعریف شده است. اما این ۶۱ هدف کلی را می‌توان در ذیل سه هدفی که دولت اسلامی به دنبال تحقق آنها می‌باشد دسته بندی و مقوله بندی نمود. در حقیقت در این قسمت با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی اقدام به مقوله بندی ارتباط اهداف ۳۹ گانه مرتبط با اقتصاد با اهداف سه گانه دولت اسلامی نموده‌ایم. تحلیل محتوای کیفی روشی ارزشمند برای تحلیل داده های متنی در بستر خاص است. هدف این روش شناسایی مهمترین طبقه ها و مقولات در یک متن و کشف واقعیت‌های اجتماعی نهان در آن از طریق کدگذاری و مقوله بندی است. (مومنی راد و دیگران، ۱۳۹۲، ۲۱۸) در این روش با برجسته ساختن و بیان نظام‌مند نکاتی که به طور پراکنده در مجموعه‌ای از متن‌ها درباره موضوع تحقیق و مقوله‌های آن مطرح شده کار خود را تحلیل آنها، یافتن پیام هاشان و ویژگی های این پیام ها می‌داند. می‌کوشد تا این تحلیل با عینیت، نظام‌مندی، عمومیت و درجات قابل قبولی از روایی و پایداری به انجام برسد و زمینه دستیابی به استنتاج های از آن متن ها و مواد فراهم آید. (محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۳۹) مبتنی بر این روش به این سوال پاسخ خواهیم داد که کدام یک از اهداف اقتصادی برنامه به طور مستقیم با اهداف سه گانه دولت اسلامی در ارتباط می باشد؟

جدول ۱. اهداف کلی قانون برنامه پنجم توسعه در حوزه اقتصادی

فصول قانون برنامه	ردیف	اهداف	امنیت اقتصادی	عدالت اقتصادی و اجتماعی	رشد و رفاه اقتصادی
توسعه		بهبود فضای کسب و کار			*
		ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به یک‌سوم در پایان برنامه و به‌منظور برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، راهبری، پایش و ارزیابی بهره‌وری کلیه عوامل تولید از جمله نیروی کار، سرمایه، انرژی و آب و خاک			*
		ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو		*	
		تنظیم تعهدات ارزی کشور			
		تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی		*	
		ارتقای جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد کشور و ساماندهی بازار متشکل اوراق بهادار			
		تنظیم مناسب بازار، افزایش سطح رقابت، ارتقای بهره‌وری شبکه توزیع و شفاف‌سازی فرآیند توزیع کالا و خدمات			*
		ارتقای مشارکت بنگاه‌ها و افزایش سهم تشکلهای، شبکه‌ها، خوشه‌ها، اتحادیه شرکت‌ها (کنسرسیوم‌ها)، شرکت‌های مدیریت صادرات و شرکت‌های بزرگ صادراتی و دارای تنوع محصول			
		اصلاح الگوی مصرف نان		*	
		افزایش کارایی			*
		ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ایفای نقش مؤثر آنها در تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در این مناطق، هم‌پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخش‌های مختلف			*
		قطع کامل وابستگی اعتبارات هزینه‌ای به عواید نفت و گاز از طریق افزایش سهم درآمدهای عمومی در تأمین اعتبارات هزینه‌ای دولت			
		هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف‌سازی حمایت‌های مالی		*	
		شفافیت در مبادلات اقتصادی و تشخیص درآمدهای مؤدیان مالیاتی و مالیات بر ارزش‌افزوده		*	

فصول قانون برنامه	ردیف	اهداف	امنیت اقتصادی	عدالت اقتصادی و اجتماعی	رشد و رفاه اقتصادی
		توسعه بخش تعاون و ارتقای سهم آن به ۲۵ درصد (۲۵٪) اقتصاد ملی تا پایان برنامه با رویکرد ایجاد اشتغال، گسترش عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه		*	
		بهره‌برداری از حداکثر ظرفیت‌ها برای توسعه میدان‌های نفت و گاز و افزایش تولید صیانت شده با حفظ ظرفیت تولید سال ۱۳۸۹ تا سقف تولید اضافه روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و ۲۵۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی با اولویت میداین مشترک، با تأکید بر توسعه میدان گاز پارس جنوبی			*
		اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز و انجام وظایف قانونی خود ضمن ایجاد مدیریت اکتشاف، توسعه و تولید و با تجهیز پست‌های سازمانی			
		افزایش و ارتقای توان علمی، فناوری و نوآوری در صنعت نفت		*	
		تنوع در عرضه انرژی کشور، بهینه‌سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش اتلاف و توسعه تولید همزمان برق و حرارت	*		
		اعمال صرفه‌جویی، تشویق و حمایت از مصرف‌کنندگان در راستای منطقی کردن و اصلاح الگوی مصرف انرژی و برق، حفظ ذخایر انرژی کشور و حفاظت از محیط زیست		*	
		مدیریت جامع (به هم پیوسته) و توسعه پایدار منابع آب در کشور			
		توانمندسازی ساختار مدیریت منابع طبیعی و آب‌خیزداری کشور			
		تأمین امنیت غذایی	*		
		تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری صنعتی و معدنی در کشور		*	
		تسهیل تجارت، رقابت‌پذیر کردن فعالیت‌های حمل‌ونقل با توجه به مزیت‌های نسبی در زنجیره عرضه و خدمات ترابری منطقه‌ای و بین‌المللی		*	
		مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و اصلاح الگوی مصرف به‌ویژه مصرف انرژی در بخش ساختمان و مسکن			
		تحقق توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی، تعاملات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی فی‌مابین		*	
		احیا، توسعه و استفاده بهینه از ظرفیت موقوفات و اخوات و مقابله با سوءاستفاده از موقوفات		*	
		ارتقای نظام برنامه‌ریزی کشور با لحاظ نمودن دو اصل آمایش سرزمین و پایداری محیطی در کلیه فعالیت‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های ملی و استانی، ایجاد هماهنگی بخشی، منطقه‌ای و بخشی - منطقه‌ای و رعایت عدالت در توزیع منابع و فرصت‌ها، توسعه متوازن مناطق، ارتقای توانمندی‌های مدیریتی استان‌ها و انتقال اختیارات اجرایی به استان‌ها و تمرکز امور حاکمیتی در مرکز		*	
		حفاظت، احیا و بهره‌برداری پایدار از محیط زیست، منابع طبیعی و تنوع زیستی			

فصول قانون برنامه	ردیف	اهداف	امنیت اقتصادی	عدالت اقتصادی و اجتماعی	رشد و رفاه اقتصادی
		بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری		*	

۱) اهداف کلان			حسن اجرای قانون برنامه و ارزیابی میزان پیشرفت کشور در چارچوب سیاست‌های کلی برنامه
	*		افزایش کارآمدی و اثربخشی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای
	*		استقرار نظام بودجهریزی عملیاتی
			ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت و ارتقای بهره‌وری و برای تقویت مدیریت کشور
	*		رشد نرخ متوسط ۸ درصد سالیانه تولید ناخالص داخلی
	*		کاهش شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد سازوکارهای تشویقی و انگیزش برای تبدیل پس‌انداز ملی به سرمایه‌گذاری ملی و حفظ نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی به میزان متوسط چهل درصد (۴۰٪)
		*	کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه از طریق اتخاذ سیاست‌های اجرایی مناسب و نیز استقرار سیستم تأمین اجتماعی فراگیر، گسترش پایه مالیاتی و توزیع مجدد درآمدها به‌طوری که ضریب جینی در پایان برنامه به (۰/۳۵) برسد
		*	توسعه و تقویت نظام استاندارد ملی
مجموع	۱۵	۱۰	۴

همانگونه که از تحلیل جدول فوق بر می‌آید در برنامه پنجم توسعه و در سرفصل‌های اقتصادی کمتر به امنیت اقتصادی پرداخته شده است و پس از آن عدالت و سپس رشد مورد توجه و هدف‌گذاری بوده است و از ۳۹ هدف متصور در فصل مربوط به اقتصاد، ۲۹ هدف با عدالت، امنیت و رشد در ارتباط مستقیم بوده است.

با توجه به تحلیل‌های فوق نمی‌توان برنامه پنجم توسعه را در حوزه پرداخت به اهداف، برنامه‌ای خارج از برنامه دولت اسلامی دانست. هرچند که نمی‌توان ادعا نمود که برنامه فوق، برنامه‌ای متناسب با دولت اسلامی بوده است!

در این بین توجه به مسأله اساسی حائز اهمیت است و آن اجرای برنامه و تحقق اهداف می‌باشد. با توجه به عقب بودن گزارش‌های برنامه و از طرف دیگر عدم اتمام برنامه پنجم نمی‌توان ادعایی در مورد اجرایی شدن اهداف ۳۹ گانه فوق داشت. از طرف دیگر سوابق برنامه ریزی در ایران گویای ناتوانی نظام برنامه ریزی از اجرای برنامه‌های توسعه می‌باشد. الزامی که در توصیه‌های کارشناسی و رعایت الزامات کارشناسی در تدارک و تهیه برنامه نمود دارد و از قضا برنامه توسعه‌ای که در راستای دولت اسلامی می‌باشد متکفل توجه و التفات به آن می‌باشد.

تعداد اهداف کلی موجود در برنامه پنجم توسعه (۶۱ هدف) نسبت به برنامه چهارم توسعه (۹۶ هدف) کاهش داشته است.^۱

پنجاه و سه هدف از اهداف برنامه به صورت کلی و تنها هشت هدف با شاخص کمی مشخص بیان شده است که همین امر قابلیت نظارت و ارزیابی میزان تحقق اهداف را کاهش می دهد. از سوی دیگر تنها در سه مورد از اهداف مدت زمانی تعیین شده است و از طرف دیگر با توجه به مضمون کلی گویی و تفسیربردار بودن اغلب اهداف، سنجش عملکرد برنامه را دشوار خواهد کرد. تعدد اهداف موجود و پراکندگی آنها، همگرایی بین اهداف را در عمل دشوار خواهد کرد. مضمون مفاد مواد برنامه نوعاً به شکلی است که در غالب موارد تفکیک اقدامات از سیاست ها و یا سیاست ها از اهداف دشوار است. انتخاب چند مخاطب در انجام یک اقدام یا سیاست، بدون تفکیک و شرح وظایف مشخص امکان نظارت را کاهش خواهد داد.

برنامه توسعه، بسته سیاستی سازگاری است که دستیابی به اهداف معینی را امکانپذیر می کند و برنامه ریزی فرآیندی متشکل از چهار مرحله تهیه و تدوین، تصویب، اجرا و نظارت می باشد و بی ربط نیست اگر گفته شود چگونگی و عملکرد هریک از این مراحل بسته به مرحله نخست یعنی نحوه تدوین و تهیه برنامه است. در این مرحله اهداف یک برنامه مشخص، اقدامات اجرایی و سیستم تشویق و تنبیه آن تعیین می شود به طوری که با بررسی و آسیب شناسی این مرحله به میزان قابل اعتمادی می توان در خصوص تحقق اهداف و عملکرد برنامه و چگونگی و کارآیی نظارت بر برنامه پیش بینی کرد.

ویژگی اصلی هر برنامه، پیش بینی نتیجه کار است. برای هر پیش بینی، عوامل مورد نیاز انجام کار همچون میزان منابع مالی و فیزیکی، زمان، سازمان اجرایی و چگونگی تجهیز و هماهنگی این عوامل نیز بررسی و ارزیابی می شود. تحقق هدف های هر برنامه تابعی از دقت و صحت انجام مراحل یاد شده است. ۲. پیش بینی تهیه، تنظیم، تصویب و اجرای بیش از ۱۰ سند یا طرح جامع، پیش بینی تهیه و اجرای چندین آیین نامه، مجموعه فعالیت ها یا ادبیاتی است که برنامه پنجم توسعه را شکل می دهد؛ بی آنکه طریق تجهیز و تخصیص منابع و یا سازمان اجرایی مشخصی به تولید یا کارکرد یا به نتیجه عملیاتی معینی تعهد شده باشد یا مفهوم روشنی از آن استنباط شود. با فرض نگارش، تنظیم و تصویب همه آنچه در برنامه آمده است، آیا دستاوردهای برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل پیش بینی خواهد بود؟

۱- ایمان تهرانی و فاطمه عزیزخانی، مروری بر اهداف قانون برنامه چهارم توسعه، دفتر مطالعات برنامه و بودجه،

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۸۹۰۶، اسفندماه ۱۳۸۶، ص ۴.

۲- علی اکبر شبیری نژاد، تأمین اجتماعی و برنامه چهارم توسعه، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۴، صص ۳-۸.

در مجموع برنامه پنجم توسعه در حدود ۶۱ هدف دارد و در صورت تحقق این اهداف است که احتمالاً برنامه پنجم توسعه می‌تواند مأموریت‌های خود را انجام و به اهداف کلان خود برسد. دستیابی به این اهداف مستلزم اتخاذ سیاست‌های مشخص است که برای هر یک نیاز به تهیه رویه‌های اداری و عملیاتی و سیستم تنبیه و انگیزشی مشخصی است. این حجم از احکام و عملیات فقط براساس برنامه پنجم توسعه برعهده دستگاه محول شده است. این درحالی است که دستگاه‌های اجرایی هم حسب قوانین تأسیس یا اساسنامه خود و هم در مجموعه قوانین موضوعه کشور وظایف متعدد دیگری نیز برعهده دارند.

سازوکار نظارتی قانون برنامه پنجم توسعه در مقایسه با برنامه چهارم توسعه، ضعیف‌تر است. در ماده (۱۵۷) قانون برنامه چهارم توسعه محورهای ارائه گزارش نظارتی به‌صورت دقیق مشخص شده بود به‌طوری که در آن بررسی عملکرد مواد قانونی برنامه، بررسی عملکرد سیاست‌های اجرایی، بررسی عملکرد متغیرهای عمده کلان و بخشی، ازجمله تولید و سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، تراز پرداخت‌ها، بودجه، بخش پولی و تورم، اشتغال و بیکاری به‌طور صریح بیان شده بود.

در ماده (۲۱۳) قانون برنامه پنجم توسعه آمده است: «معاونت موظف است گزارش عملکرد مذکور را همراه با نظرات خود و بررسی مواد برنامه، شاخص‌ها و متغیرهای مربوطه به رئیس‌جمهور ارائه نماید» و در آن تصریح نشده است که منظور از شاخص‌ها و متغیرهای مربوطه چیست؟ و آیا علاوه بر «مواد برنامه و شاخص‌ها و متغیرهای مربوطه» محورهای دیگری نیز لازم است در گزارش‌های عملکرد وجود داشته باشد یا خیر؟

همچنین در ماده (۱۵۸) قانون برنامه چهارم توسعه، ارائه گزارش نظارتی از وضعیت سند چشم‌انداز مورد توجه قرار گرفته بود، اما با این حال در عمل در هیچ‌کدام از گزارش‌های نظارتی سالیانه برنامه چهارم به آن توجه نشد. بر این اساس می‌توان پیش‌بینی کرد که در برنامه پنجم توسعه به مسئله سند چشم‌انداز و ارائه گزارش در این خصوص نیز توجهی نخواهد شد، به‌خصوص که در زمان تدوین قانون برنامه، عبارت «در چارچوب چشم‌انداز» نیز از متن قانون حذف شده است.

از نکات مثبت ماده (۲۱۳) قانون برنامه پنجم توسعه، ارائه گزارش نظارت عملکرد برنامه به همراه قانون بودجه است. عبارت «همزمان با قانون بودجه» که در ماده (۲۱۳) آمده است کمک می‌کند تا ارائه گزارش‌های نظارتی همانند برنامه چهارم توسعه، با متوسط ۱/۵ سال تأخیر همراه نباشد هرچند که در عمل فاصله به طور متوسط دوساله از عملکرد تا گزارش اتفاق افتاد.

با توجه به نکات مزبور و غیر قابل سنجش بودن اهداف ۶۱ گانه بیان شده، پیشنهاد می‌شود تا در سطح هریک از «اهداف» شاخص‌های معینی تعریف شود. روند این شاخص (که باید دارای

ویژگی های معینی از جمله روایی، قابل اندازه گیری و... باشد) می تواند قضاوت در مورد دستیابی به اهداف برنامه را تسهیل کند.

تدوین یک برنامه خوب به معنای اجرایی بودن آن نیست بلکه لحاظ اصول کارشناسی و تجربیات گذشته در آن ضمانت اجرای برنامه را افزایش می دهد. لذا اگر برنامه ای در اهداف اسلامی بود لزوماً نباید انتظار اجرای آن را داشت خاصه آنکه ایرادات برنامه های قبلی در آن تکرار شده و ایرادات جدیدی به آن اضافه می شود. (برمکی، ۱۳۹۳) به عنوان مثال می توان به تغییرات گسترده ای که در لایحه برنامه پنجم از طرف مجلس انجام شد و اعتراض دولت را در پی داشت اشاره نمود که عملاً ضمانت اجرای برنامه را با وجود لحاظ اهدافی مطلوب کاهش داد. این امر در برنامه پنجم توسط مجلس اتفاق افتاد و دوبار تذکر رسمی رئیس جمهور در حین ارائه و بررسی را در پی داشت. ۱. البته این امری بود که مورد تذکر رهبر انقلاب قرار گرفت! در مرتبه اول ایشان بیان داشتند: "به نظر من در بررسی برنامه ی پنجم جوری عمل بشود که آن اشکالی که قبلاً عرض کردیم، پیش نیاید؛ یعنی برنامه ماهیتاً متفاوت با آنچه که به صورت لایحه به مجلس داده شده، از آب در نیاید؛ یعنی اصلاح بشود، تکمیل بشود، نه تبدیل بشود. این، همکاری دولت و مجلس را لازم دارد. به نظر ما، هم دولت در این زمینه نقش دارد، هم مجلس در این زمینه نقش دارد." ۲ اما این اتفاق سه ماه بعد ميسوس تر مجدداً تکرار شد! "یکی از چیزهای دیگری که باز در این جهت گیری ها لازم است، برنامه های پنج ساله است؛ که حالا این برنامه ی پنجم در دست ملاحظه و بررسی مجلس است و امیدواریم که همکاری واقعی بین دولت و مجلس انجام بگیرد. اگر چنانچه فرض کنیم که دولت یک چیزی را تهیه کرده و بر همان اساس هم پافشاری دارد، مجلس هم تغییرات اساسی ای روی این بدهد، انسجام برنامه به هم می خورد. یا اگر فرض کنیم که تغییراتی در برنامه ی پنجم صورت بگیرد که این تغییرات ناشی از نگاه یکپارچه و نگاه کلان به کشور نباشد، بلکه ناشی از نگاه به یک بخش یا نگاه به یک منطقه باشد، باز هم انسجام برنامه به هم می خورد. انسان وقتی بخشی یا منطقه ای نگاه کند، یک چیزهایی به نظر او بزرگ و درشت می نماید. واقعاً هم همین جور است، نیاز هم واقعی است؛ اما وقتی که انسان با نظر مجموعی نگاه می کند، همان نیازی که در جای خود درشت هم هست، می بینیم رنگ می بازد و کوچک می شود؛ چون در مقایسه ی با

۱- محمود احمدی نژاد در گفتگوی با روزنامه دولت بیان داشت که "این انتظار نیست که مجلس با کنار گذاردن لایحه اقدام به نوشتن برنامه کند. این اشتباه و موازی کاری است ما انتظار داریم هدفمندی برنامه باقی بماند و دستخوش تغییرات اساسی نشود." محمود احمدی نژاد "در صورت اعتماد به دولت در پایان برنامه پنجم نیمی از سند چشم انداز محقق خواهد شد" پایگاه اطلاع رسانی دولت، کد خبر ۱۹۳۱۹۵، تاریخ: ۱۳۸۹/۶/۲۸.

۲- مقام معظم رهبری "بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی" ۱۳۸۹/۰۳/۱۸

بقیه‌ی کارهائی که باید انجام بگیرد و امکانات محدودی که هست، طبعاً این نیاز نمی‌تواند اولویت داشته باشد. باید اینجوری به برنامه نگاه کرد. نباید نگاه بخشی یا نگاه موضعی و محلی و منطقه‌ای بر برنامه حاکم باشد.^۱ جملگی این موارد گویای فاصله گرفتن برنامه خوب از تدوین تا اجرا می‌باشد.

نتیجه‌گیری

چقدر برنامه‌های توسعه اسلامی بوده‌اند؟ و به بیانی دیگر آیا برنامه‌های توسعه با برنامه‌های دولت اسلامی همخوانی داشته است؟ برای پاسخ به این سوال اقدام به تبیین اهداف به عنوان مبنای مقایسه نمودیم. اهداف در برنامه‌های توسعه و اهداف دولت اسلامی، علت انتخاب هدف نیز اهمیتی است که اهداف در تعیین سازوکارها و ساختارها دارند. از تحقیقات در حوزه دولت اسلامی بر می‌آید که دولت اسلامی به دنبال تکامل و تعالی افراد از طریق سه زیر هدف عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و رفاه و رشد اقتصادی می‌باشد. لذا می‌باید پیگیری اهداف فوق در برنامه‌های دولت اسلامی که تبلور زمانی و مکانی آن در برنامه پنج ساله دولت‌ها می‌تواند باشد نمود داشته باشد. از طرف دیگر در برنامه‌های توسعه بیشترین ادعا در مورد اسلامی بودن را در رابطه با برنامه پنجم شاهد می‌باشیم. در این برنامه اهداف اقتصادی بیشترین تعداد را در مقایسه با سایر بخش‌ها به خود اختصاص داده‌اند. به روش تحلیل محتوای کیفی می‌توان ادعا نمود که اهداف فوق به امنیت اقتصادی در مقایسه با عدالت کمتر پرداخته است و سپس رشد مورد توجه و هدف گذاری بوده است و از ۳۹ هدف متصور در فصل مربوط به اقتصاد، ۲۹ هدف با عدالت، امنیت و رشد در ارتباط مستقیم بوده است.

لذا با توجه به تحلیل‌های فوق نمی‌توان برنامه پنجم توسعه را در حوزه پرداخت به اهداف، برنامه‌ای خارج از برنامه دولت اسلامی دانست. هرچند که نمی‌توان ادعا نمود که برنامه فوق، برنامه‌ای متناسب با دولت اسلامی بوده است! چرا که وجود ایرادات کارشناسی در اهداف و فارغ از ایرادات مربوط به نظام برنامه‌ریزی، تحقق برنامه را با تردیدی جدی مواجه می‌سازد. در حقیقت برنامه پنجم در حوزه اهداف با آنکه با اهداف دولت اسلامی همخوانی خوبی داشته است اما این همخوانی لزوماً به معنای اجرا نمی‌باشد! ادعایی که تجربه برنامه‌ریزی در ایران به دلیل لحاظ نکردن اصول کارشناسی در تدوین برنامه گویای آن است. ایراداتی چون تعدد اهداف و فقدان همگرایی بین اهداف، فقدان بازه زمانی، کلی‌گویی و تفسیربردار بودن اهداف، فقدان و عدم ارائه اسناد پشتیبان و تحلیل کارشناسی درباره چگونگی و نحوه تعیین اهداف، فقدان نظام تشویق و تنبیه شفاف و صریح.

۱- مقام معظم رهبری "بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت" ۱۳۸۹/۸/۶

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. اوانز، پیتر (۱۳۸۰) "نقش دولت در تحول صنعتی" عباس زند باف و عباس مخبر؛ تهران: طرح نو،
۲. ایمان تهرانی، گزارش درباره برنامه ششم توسعه (۶) فرآیندهای بهبوددهنده برنامه ششم، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۰۲۸، ۱۳۹۳، ص ۲۵.
۳. آل بویه، علی رضا (۱۳۸۸) سعادت از دیدگاه فارابی "نقد و نظر، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۵۶، صص: ۶۲-۸۶
۴. برمکی، افشین (۱۳۹۳) "آسیب شناسی برنامه های توسعه بعد از انقلاب" معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، امور برنامه ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه.
۵. بیگدلی، وحید (۱۳۹۳) "درباره برنامه ششم توسعه (۴)، تأملی بر روش برنامه ریزی" مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۳۸۴۶
۶. پایگاه اطلاع رسانی دولت (الهام) "نشست خبری سخنگوی دولت/ ۲: مشخصات اصلی برنامه پنجم توسعه از زبان سخنگوی دولت" کد خبر: ۱۷۸۷۷۱ تاریخ خبر: ۱۳۸۸/۴/۱۳
۷. پایگاه اطلاع رسانی دولت (میرتاج الدینی) "معاون پارلمانی رئیس جمهور: برنامه پنجم براساس الگوی ایرانی اسلامی تدوین شده است" کد خبر: ۱۸۵۶۲۶ تاریخ خبر: ۱۳۸۸/۱۰/۲۱
۸. پوست فروش تهرانی، ایمان و فاطمه عزیزخانی. مروری بر اهداف قانون برنامه چهارم توسعه، دفتر مطالعات برنامه و ودجه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۸۹۰۶، اسفندماه ۱۳۸۶.
۹. جعفر پیشه فرد، مصطفی (۱۳۸۱) "حکومت علوی و اهتمام به اصلاحات اجتماعی، اقتصادی توسعه و رفاه" در "حکومت علوی، هدف‌ها و مسؤولیت‌ها" گروهی از نویسندگان؛ دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، صص: ۱۶۳-۲۰۷
۱۰. جهانیان، ناصر (۱۳۸۰) "جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی" اقتصاد اسلامی، بهار ۱۳۸۰ - شماره ۱ صص: ۱۲۹ - ۱۵۸
۱۱. خلعتبری، فیروزه. درباره لایحه برنامه چهارم توسعه (۴): ارزیابی نگرش و ساخت، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۲. دری نجف آبادی، قربان علی (۱۳۷۹ب) "نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان (ع)" حکومت اسلامی، شماره ۱۸، صص ۲۸۰-۳۱۰

۱۳. دری نجف آبادی، قربان علی (۱۳۷۹ الف) "مبارزه با فساد در حکومت علوی (ع) فصلنامه حکومت اسلامی، پاییز ۱۳۷۹ - شماره ۱۷ صص: ۲۵۳ - ۲۹۲
۱۴. دفتر همکاری های حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱) "مبانی اقتصاد اسلامی" انتشارات سمت.
۱۵. رضایی، مجید (۱۳۸۳) جایگاه نهاد دولت در عرضه اقتصاد" فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، صص ۳۷-۶۲.
۱۶. سبحانی، حسن (۱۳۷۳) "نظام اقتصادی اسلام" مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی
۱۷. سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۸۸) "تحلیل وظایف اقتصادی دولت جهت تحقق عدالت اقتصادی در الگوی ایده آل اقتصاد اسلامی" معرفت سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲ صص: ۱۶۱ - ۱۹۴
۱۸. سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۸۸) "تحلیل وظایف اقتصادی دولت جهت تحقق عدالت اقتصادی در الگوی ایده آل اقتصاد اسلامی" معرفت سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲ صص: ۱۶۱ - ۱۹۴
۱۹. شبیری نژاد، علی اکبر. تأمین اجتماعی و برنامه چهارم توسعه، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۴.
۲۰. صرامی، سیف الله (۱۳۸۱) عوامل ناپایداری حکومت علوی" در "حکومت علوی، بنیان ها و چالش ها" جمعی از نویسندگان، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری. صص: ۱۷۷-۲۰۵.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴) "ترجمه تفسیر المیزان" سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. فارابی، ابونصر (۱۳۶۶) "السیاسة المدینة" المكتبة الزهراء، تهران
۲۳. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۲) "اندیشه اقتصادی استاد شهید مرتضی مطهری (ره)" قبسات، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳ شماره ۳۰ و ۳۱، صص: ۲۲۳ - ۲۵۲
۲۴. قانون برنامه پنجم توسعه.
۲۵. گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۰) "امام علی (ع)، دولت و سیاست های اقتصادی" کتاب نقد، شماره ۱۹، صص: ۱۱۶ - ۱۷۷
۲۶. محسنی تبریزی، علی رضا؛ سلیمی، علی (۱۳۹۱) "تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره گیری از آموزه های اسلامی در علوم اجتماعی" فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، شماره ۷۲، صص: ۱۳۵-۱۵۹.
۲۷. محمود احمدی نژاد در گفتگوی با روزنامه دولت، پایگاه اطلاع رسانی دولت، کد خبر ۱۳۸۹/۶/۲۸. تاریخ: ۱۳۸۹/۶/۲۸.

۲۸. معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (۱۳۸۷) "نظام برنامه ریزی برنامه پنجم"
۲۹. معاونت برنامه ریزی.
۳۰. مقام معظم رهبری "بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت" ۱۳۸۹/۰۸/۰۶
۳۱. مقام معظم رهبری "بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی" ۱۳۸۹/۰۳/۱۸
۳۲. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸
۳۳. مقدمه لایحه برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۰
۳۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۵۸ ب) سخنرانی در جمع پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آباده، ۱۳۵۸/۴/۱۳
۳۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۵۸ ج) سخنرانی در جمع دانشجویان و اهالی شیراز، کارکنان مجمع اسلامی وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۳۵۸/۴/۱۷
۳۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۵۸ الف)، سخنرانی در جمع بانوان (جنوب شهر تهران و مکتب ولی عصر) - پاسداران و مرزنشینان دشت مغان به تاریخ ۱۳۵۸/۳/۸
۳۷. مومنی راد، اکبر؛ علی آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ مزینی، ناصر (۱۳۹۲) "تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج" فصلنامه اندازه گیری تربیتی، شماره ۱۴، صص: ۱۸۷-۲۲۲
۳۸. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۱) "ساختار کلان نظام اقتصادی در اسلام" مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۳۹. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸) "مکتب و نظام اقتصادی اسلام" موسسه فرهنگی خانه خرد، قم، چاپ اول
۴۰. یوسفی، حیات الله (۱۳۸۹) "ساختار حکومت در اسلام" نشر: کانون اندیشه جوان.
۴۱. یوسفی، حیات الله (۱۳۸۹) "ساختار حکومت در اسلام" نشر: کانون اندیشه جوان.
42. Alizadeh, P., Hakimian, H., & Karshenas, M. (Eds.). (2000). The economy of Iran: The dilemma of an Islamic state (Vol. 29). IB Tauris.
43. Lange, M., & Rueschemeyer, D. (2005). States and development. States and Development. Historical Antecedents of Stagnation and Advance, 3-25